



۲۰۲۰/۱۱/۱۷

داکتر عبدالستار سیرت

## چشم انداز وقایع سیاسی افغانستان

بسم الله الرحمن الرحيم

از واقعه سقوط نظام تاریخی پادشاهی افغانستان از طریق کودتای نظامی عنقریب نیم قرن میگذرد، تحول نظام سلطنت به نظام جمهوری به خاطر ارتباط رهبر کودتا با خانواده پادشاهی و از لحاظ وزن شخصیت و سوابق خدمت



رهبر کودتا (سردار محمد داود خان) به آسانی مورد قبول و استقبال مردم افغانستان قرار گرفت، اما ریشه های سیاسی این تحول و عناصر ماحول نخستین رئیس جمهور آهسته آهسته عوامل آغاز یک عصر فاجعه بار افغانستان را که تا حال چهل و دو سال از آن میگذرد، تشکیل نمود.

فرزندان نا اهل و ناسکه کودتا فقط پنج سال بعد در (۱۹۷۸) رهبر جمهوریت را با یک حرکت وحشتناک و کودتای خونین با افراد خانواده شان شهید ساختند و سپس صفحه پوشیده همراهی شان در کودتای اول برملا گردید.

برای بیشتر از یک دهه افغانستان شاهد ترویج اجباری تفکر کمونیستی و مداخله و تجاوز نظامی یک سوپر پاور جهانی (اتحاد جماهیر شوروی) بود، رستاخیز

جهاد تاریخی مردم مجاهد و مسلمان افغانستان به آن دهه خونین پاسخ داد و پایان ذلت بار تجاوز عسکری شوروی در افغانستان با نتیجه سقوط امپراطوری شوروی به قیمت بیش از یک میلیون شهید و شش میلیون آواره افغان رقم خورد. کشورهای اسلامی و غربی در رأس آن ایالات متحده امریکا به خاطر منافع مشترک و دشمن مشترک در جهاد افغانستان همکاری نمودند و به مجرد سقوط اتحاد شوروی افغانستان را تنها گذاشتند و ازین به بعد یک دهه بحران داخلی و جنگ های بین الافغانی آغاز می یابد و افتخار دوره جهاد به خجالت دوره بعد از جهاد مبدل میگردد.

فاجعه یازدهم سپتامبر (۲۰۰۱) در نیویارک و واشنگتن بهانه تجاوز نظامی و اشغال افغانستان توسط قطب یکه تاز قدرت جهانی (ایالات متحده امریکا) گردید، در حالیکه هیچ یک از متهمین حادثه یازدهم سپتامبر از اتباع افغانستان نبوده و گرفتاری و یا از بین بردن رهبر القاعده نیز ایجاب لشکرکشی و اشغال افغانستان را نمی کرد اما

این امر واقع شد و در هفتم اکتوبر همان سال نظام موجود در افغانستان سرنگون شد و سلسله دست نشاندگی جدید در افغانستان آغاز گردید.

تصمیم حمله بر افغانستان و اشغال نظامی آن توسط (جورج دبلیو بوش) رئیس جمهور امریکا با اشتراک پنج تن از همکاران عالی رتبه او آغاز گردید (دک چینی) معاون رئیس جمهور، (رمسفلد وزیر دفاع)، (کولین پاول) وزیر خارجه، (کوندالیزا رایس) مشاور امنیت ملی و (جورج تنت) رئیس استخبارات مرکزی سی. آی. آی. تفصیل مربوط به این مطالب در کتاب **Bush at war** بوش در جنگ **Bob Woodward** باب و دوارد وجود دارد، در خلال همین تصمیم در مورد زعامت بعد از اشغال نیز بحث شد و هی چکدام پیشنهادی نداشت و تنها (جورج تنت) رئیس سی. آی. آی. در آنوقت آقای حامد کرزی را به حیث شخصی که با وی همکار و ارتباط دارد معرفی نمود و این نام پذیرفته شد و رئیس حکومت بعد از اشغال در افغانستان در سپتامبر ۲۰۰۱ در واشنگتن مقرر گردید.

این تصمیم عجولانه و غیر مشروع بدون اطلاع و موافقت هیچ مرجع قانونی در امریکا و یا شورای امنیت ملل متحد عملی شد، سپس موافقت کانگرس، ملل متحد و کشورهای ناتو با رعایت حالت ناشی از واقعه یازدهم سپتامبر و سیاست معروف (جورج بوش) که گفته بود: "با من یا دشمن من" به عمل آمد.

### افسانه کانفرانس بن:

دو ماه بعد از اشغال نظامی افغانستان توسط ایالات متحده امریکا نمایشی به نام کنفرانس بن به راه انداخته شد، بازیگران اساسی این نمایش (داکتر زلمی خلیل زاد) که گاه افغان بود و گاه امریکایی، گاهی هر دو بالاخره یک امریکایی خالص، (الاحضرالابراهیمی) وزیر خارجه اسبق الجزایر به نام نماینده ملل متحد در حقیقت مأمور تطبیق پلان جارج بوش و در رأس این بازیگران سفیر جیمز دابینس نماینده خاص جارج بوش در امور افغانستان و دیپلمات دارای سابقه طولانی در ساحه امنیت و وزارت خارجه، مشاوریت و نمایندگی رؤسای جمهور و نیز ریاست رند کارپوریشن که مهمترین مؤسسه مطالعات ستراتیژیک بود، وجود این شخص بیشتر برای نظارت و اداره کانفرانس بود نه در اشتراک عملی در بازی های نمایشی.

### برگزاری افسانه کانفرانس بن سه هدف غیر مشروع داشت:

- ۱- حمله عسکری امریکا که در اوایل اکتوبر ۲۰۰۱ صورت گرفته بود، دو ماه بعد از آن هیئت های افغانی شامل در کنفرانس بن بر آن صحنه بگذارند و چنان تلقی شود که مداخله نظامی امریکا به درخواست افغان ها صورت گرفته است.
- ۲- رئیس حکومت مؤقت افغانستان که دو ماه قبل در واشنگتن مقرر شده بود توسط افغانها انتخاب شود.
- ۳- حکومت افغانستان و نظام سیاسی آن به اساس تصنیف قومی در افغانستان و اعتبار اکثریت و اقلیت اقوام تشکیل گردد، رعایت تفاوت جنس (مرد و زن) شامل این هدف است. هر سه هدف از طریق تجاوز بر حقوق ملی افغانستان در تحت فشار پالیسی (با من یا دشمن من) برآورده شد و حاصل آن در طول دو دهه مصیبت ملی برای افغانستان و ناکامی برای امریکا بود.

حوادث دو دهه گذشته با ادعای دستاورد ها و حقایق دستبرد ها به هموطنان مظلوم ما روشن است، تفصیل و اسرار افسانه بن نزد میزبان کنفرانس یعنی حکومت آلمان که واقعاً تا حد زیاد بیطرف بودند و نزد اتحادیه اروپا و سفیر آن در آن وقت آقای (فرانسیس وندریل) ثبت است و یک قسمت آن در کتاب (جیمز دابینس) به نام ( After the Taliban ) بعد از طالبان) انعکاس نموده است اما کتاب خلیلزاد و راپور اخضر ابراهیمی به خود شان ارتباط دارد. وقایع چهل سال گذشته و مخصوصاً دو دهه حضور امریکا و ناتو در افغانستان یقیناً مورد تحقیق محققان افغان و دیگر اهل تحقیق قرار گرفته و یا قرار میگیرد و ملت مظلوم افغان بدبختانه درین چهار دهه از حقوق طبیعی انسانی خود محروم بود و بزرگترین فاجعه و مصیبت در افغانستان ایجاد شکست و صدمه در پیکر وحدت ملی افغانستان بود و ملت یک پارچه و واحد افغانستان به پارچه ها از هم جدا شدند و تمامیت ملی ما هویت و مقام خود را از دست داد و ضرورت اعاده وحدت ملی در کشور در رأس اولویات و وجایب ملی ما قرار دارد.

### توافقات امریکا و طالبان:

به نام مذاکرات صلح میان امریکا و طالبان رویدادی که برای هجده ماه مردم افغانستان و جهان را مشغول ساخته بود بالاخره چند مطلبی به نشر رسید که اصلاً ایجاب این همه سر و صدا های جهانی را نداشت، جنگ با طالبان تحت عنوان مجادله با تروریسم آغاز یافت و عنقریب بیست سال دوام کرد، صد ها هزار افغان و هزاران امریکایی و عساکر ناتو از بین رفتند و در حدود یک تریلیون دالر مصارف جنگ بود اما نه تروریسم از بین رفت و نه هم طالبان شکست نمودند و یگانه ابر قدرت جهانی ناکام گردید و قربانی ناحق و مظلومانه نصیب ملت افغان بود، در ۲۰۰۱ (جارج بوش) این جنگ را آغاز نمود و در ۲۰۲۰ رئیس جمهور (دونالد ترامپ) این جنگ را احقانه خواند و (جارج بوش) را آدم احق گفت (کتاب جارج بولتون مشاور اسبق امنیت ملی امریکا) فعال منحصر به فرد مذاکرات هجده ماهه با طالبان باز هم (داکتر زلمی خلیلزاد) بود، این مذاکرات و توافقات برآمده از آن حتماً صفحات پوشیده ای دارد که از آن در سفر های مکرر دور دنیا به اطلاع زعمای جهان رسیده است اما مردم افغانستان و حتی حکومت دست نشانده خود شان از آن خبر ندارند، هرگاه حرکت طالبان در نظر هیأت امریکا ممثل مردم افغانستان باشد پس اعتراف به حکومت برآمده از تقلب و انتخابات نامشروع چه معنی دارد؟ و نیز در پهلوی این اعتراف تقسیم زعامت سیاسی با تیم مقابل چه منطق دارد؟

آنچه که مردم افغانستان مانند نان، آب و هوا شدیداً به آن نیاز دارند صلح و امنیت است و از آن درین مذاکرات نام برده نشده و صلح با امریکا اگر به معنی خروج قوای امریکا از افغانستان باشد رئیس جمهور امریکا قبل ازین مذاکرات بارها گفته است که قوای خود را از افغانستان خارج می کند، و اگر آزادی محبوسین طالبان بند مهم مذاکرات میان امریکا و طالبان باشد، این محبوسین آیا در محابس امریکایی هستند یا در افغانستان؟

اگر افغانستان در اشغال امریکا نیست و در آن حکومت مشروعی وجود دارد چگونه ممکن شد که رهایی در غیاب حکومت افغانستان به توافق رسید؟

هرگاه هدف ضمانت عدم استفاده از خاک افغانستان به ضد امریکا باشد کدام قدرتی خواهد بود که چنین ضمانتی را عملی کند؟

مذاکرات طولانی نماینده امریکا با طالبان در نظر رئیس جمهور (دونالد ترمپ) آنقدر بی ارزش بود که یکبار آنرا به بهانه اندک لغو نمود و مطابق روایات (جان بولتون) رئیس جمهور ترمپ جنگ امریکا در افغانستان را از خود نمیداند و نماینده خاص وزارت خارجه امریکا داکتر زلمی خلیلزاد را شاید و فریبکار گفته است و در سیاق انتقاد از خلیلزاد رئیس جمهور (دونالد ترمپ) گفته است: آیا امضای طالبان هیچ ارزش دارد؟ ما از افغانستان بیرون می شویم و اگر لازم شد مثل رعد و برق دوباره حمله میکنیم.

عجب است که رئیس جمهور (دونالد ترمپ) جنگ امریکا در افغانستان را قبول ندارد پس ادامه جنگ در چهار سال اخیر به مسؤولیت کی می انجامد؟

اگر ایشان جنگ نکرده اند پرتاب **مادر بم ها** در شرق افغانستان به کدام منطق و کدام امر صورت گرفته بود. هنگامیکه از وجود داعش در افغانستان به رئیس جمهور (دونالد ترمپ) یاد شده است فرموده اند که آنرا به روسیه واگذار کنید.

### در انجام مطالعه این وقایع تصویر بیمناک و فاجعه بار آتی احساس میگردد:

- ۱- تقسیم زعامت سیاسی افغانستان به سه شاخه دارای ماهیت قومی که خدا ناخواسته تمامیت ملی افغانستان را تهدید می کند.
- ۲- دخول و خروج، برآمدن یا بقای قوای نظامی امریکا به خود امریکا تعلق دارد و توافقات و مذاکرات شان کدام ارزش حقوقی ندارد.
- ۳- تروریزم در افغانستان دوام میکند و مجادله با آن در آینده به روسیه تعلق میگیرد، اینست نتیجه بیست سال جنگ و انسان کشی، اگر مصارف صدها ملیارد دالر جنگ را مواد مخدرات افغانستان تعویض نموده باشد، حیات صدها هزار انسان به کجا رفت، ترانه های حقوق بشر و آزادی و دیموکراسی چه قیمت داشت؟

### مذاکرات بین الافغانی:

هجده ماه مذاکرات بین هیأت های امریکا و طالبان فقط روی روابط هر دو طرف متمرکز بوده، جنگ در افغانستان نه تنها توقف نکرد بلکه شدت یافت و در پایان گفته شد که مسائل میان طالبان و حکومت افغانستان و موضوع جنگ و نظام آینده افغانستان به مذاکرات بین الافغانی تعلق دارد و آن جنگ که بیست سال قبل با حمله و اشغال امریکا آغاز یافت اکنون خاتمه آن توسط افغان ها صورت بگیرد، ارزیابی وقایع جنگ بیست ساله و نتایج آن و خسارات جسيم انسانی و مالی به کدام مرجع تعلق میگیرد، آیا تمام این وقایع یک تصادف جزئی بود که فراموش شود و افغان ها خود شان جنگ خود را خاتمه بخشند و امریکا اختیار دارد که قوای خود را خارج کند و اگر لازم شد "مانند رعد و برق دوباره حمله کند"؟

در مذاکرات بین الافغانی و یا در مراکز قدرت سیاسی در افغانستان این سؤال قابل طرح خواهد بود که مسؤل حوادث خونین بیست سال گذشته کدام طرف است و حقوق ملت افغانستان به چه صورت احیا شده می تواند؟ در مذاکرات بین الافغانی یک طرف مذاکرات طالبان و یا نمایندگان شان خواهد بود اما اعضای دیگر این مذاکرات از چهار ماه به اینطرف تشخیص نشده اند.

## در مذاکرات میان هیأت های افغانی این مشکلات اساسی وجود دارد:

### ۱- ترکیب هیأت ها :

طالبان نمایندگی از حکومت افغانستان را قبول ندارند و با آنها مذاکره نمی کنند اما حکومت دوام و بقای خود را از همه چیز مقدم میداند، مراکز دیگر قدرت در افغانستان هر کدام خواسته اند در مذاکرات بین الافغانی نقش داشته باشند و هیأتی که در آن تمثیل ملی افغانستان اساس انتخاب باشد تا هنوز وجود ندارد.

### ۲- اجندای مذاکرات بین الافغانی :

تا هنوز مذاکرات بین الافغانی اجندای مشخص ندارد، تمایلات طالبان، حکومت کابل و طرف های موسوم به سیاسیون و احزاب با هم فرق دارند، ایجاد یک دوره زعامت مؤقت و یا الحاق طالبان به حکومت و یا احیای امارت اسلامی افکار به ظاهر از هم دور هستند که کار مذاکرات را مشکل خواهد ساخت.

### ۳ - حدود صلاحیت:

حدود صلاحیت مذاکرات بین الافغانی مشخص نیست، آیا هیأت های افغانی نقش مشورتی دارند و یا صلاحیت تصمیم گیری؟ و اگر تصمیم بگیرند قدرت تطبیق آن نزد کیست؟ آیا ضمانت تطبیق تصمیم وجود دارد؟ و اگر مذاکرات بین الافغانی فقط پیشنهاد کند و یا مشوره بدهد سال های طولانی دیگر در مصیبت ملی افغانستان افزوده خواهد شد. (خدا نخواسته باشد)

سوال اساسی و حیاتی برای مردم افغانستان موضوع صلح و قطع جنگ است، این قسمت وقایع افغانستان متأسفانه بیرون توجه باقیمانده، آتش بس دایمی و ایجاد صلح و دوام صلح و محافظت صلح و تأمین امنیت و عدالت در مذاکرات و توافقات امریکا و طالبان دیده نشد و جانب امریکا قضیه افغانستان را با اکثر کشورهای منطقه و جهان بارها از نظر منافع خود و شاید منافع آن کشور ها مطرح نموده است اما به ارتباط منافع افغانستان اثری از آن دیده نشده است و اکنون ملت مظلوم افغان که چهل سال بار سنگین جنگ را تحمل نموده است جز اتکا به خود و پروردگار عادل و دستگیر مظلومان راه دیگر ندارد و خودش به یاری الله متعال و نیرو و تدبیر را فرزندان صالح افغان به حل مشکلات و مسایل کشور خود قیام نماید.

## نقش حرکت وحدت و آزادی افغانستان:

در سپتامبر ۲۰۱۱ جمعی از افغان های مقیم کلیفورنیا حرکتی را به نام حرکت وحدت و آزادی افغانستان تأسیس نمودند و ساحة کار آن تا حدی فراتر از ایالت کلیفورنیا در برخی از کشورهای اروپا و نیز داخل افغانستان وسعت یافت، این حرکت به سویه فدرال امریکا رسماً ثبت شده و صلاحیت قانونی کار در جهت وحدت و آزادی افغانستان و طرح مسائل آنرا در امریکا کسب نموده است و در چوکات همین صلاحیت اقدامات و فعالیت هایی نیز انجام داده است که تفصیل آن در و سایت حرکت و آرشیف آن موجود است.

تحمل حالت کنونی قضیه افغانستان و ابعاد مختلف و جسامت قضیه از توان یک یا چند نهاد افغانی بالاتر است و خوشبختانه دیده می شود که افکار و طرح های متعدد توسط یک عده هموطنان ما در داخل و خارج به فعالیت آغاز نمودند، و حرکت وحدت و آزادی افغانستان حاضر است با انجمن های مشابه و دارای اهداف مشترک همکاری نماید و اگر خدا بخواهد جبهه وسیع ملی به منظور ایجاد صلح و ثبات تشکیل گردد.

حرکت ما کاندید هیچ مقام حکومتی و زعامت نیست و صرف در جهت وحدت و تمامیت ملی افغانستان و اعاده حیثیت و مقام بین المللی آن با همکاری سائر نهاد های ملی و غیر وابسته و جوانان و شخصیت های پاک و خوشنام افغان کار خواهد کرد.

مساعی ما در امریکا به حیث اولین نهاد لابی و ادوکاسی افغانی که درج دفتر فدرال امریکا گردیده در حدود توان ادامه میابد و معرفی حقایق قضیه افغانستان و آزاد ساختن قضیه ما از انحصار دلالتان سیاسی و جلوگیری از مداخلات غرض آلود کشور های خارجی در امور افغانستان بخشی از برنامه های کاری حرکت ما خواهد بود و بر اساس همین برنامه با مراکز قدرت در امریکا و سائر کشورها به میزان منافع و احترام متبادل به منظور رسیدن به صلح و استقرار در کشور به تماس ها و مذاکرات خود ادامه میدهد.

کار اساسی حرکت ما و سائر حرکات صلح خواه و نهاد های ملی افغانستان در داخل افغانستان و در کنار مردم مظلوم آن باید تنظیم گردد و از آنجا که حل نهایی قضیه افغانستان و اعاده صلح و ثبات و تأمین وحدت و عدالت در کشور بالاخره به قدرت، ایثار و تدبیر فرزندان آزاد و غیر وابسته افغان تعلق می گیرد روی این منظور وقت آن است که یک جبهه وسیع ملی متشکل از جامعه علمی و آکادمیک و طبقه جوان و شخصیت های غیر وابسته به منافع خارجی در داخل افغانستان ابتکار عمل در راستای اعاده صلح و ثبات و تنظیم حیات سیاسی افغانستان را به دست گیرند و طرحی را به منظور خاتمه دادن به حالت جنگ و برآمدن از بحران کنونی به هر وسیله مسالمت آمیز و حرکت ملی بدون اعتبارات قومی، زبانی و مذهبی ایجاد نمایند و قضیه ملی افغانستان از قبضه از خود بیگانه پرست و از بیگانه غرض آلود آزاد گردد و در حالیکه منافع مشروع سائر طرف های داخلی و خارجی احترام گردد محور اصلی و اساسی حل مشکلات و تنظیم حیات سیاسی افغانستان اراده ملی افغانی باشد و زخم های ظالمانه ای که در چهار دهه گذشته در پیکر وحدت ملی افغانستان وارد شده است به یاری خالق مقتدر و عادل التیام گردد و افغانستان کرامت و حیثیت ملی و جهانی خود را دوباره کسب نماید، راه رسیدن به این مأمول، افغانی ساختن مسائل افغانستان و ایجاد نظام سیاسی مبتنی بر اساسات اسلامی و ارزش های ملی و حساب دوستی و روابط دوستانه و همکاری متقابل با تمام کشورهای جهان و مخصوصاً همسایگان افغانستان می باشد.

خستگی و نا توانی مردم ما در نتیجه حوادث ناگوار چهار دهه گذشته رسیدن به این مأمول را نوعی از خواب و خیال و یا حد اقل مشکل معرفی خواهد کرد، اما برای یک ملت دارای تاریخ و اصالت و دارای حیثیت و وزن بین المللی هرگاه در دو راه غلامی و تجزیه و یا خدا نا خواسته محو شدن از یکطرف و وحدت و آزادی و کرامت و لو با هر نوع ایثار و فداکاری از جانب دیگر واقع شود، کدام یک را انتخاب خواهد کرد، هیچ شک نداریم که افغان ها اصالت و آزادی و کرامت خود را به هیچ صورت از دست نخواهند داد و همین راه هر قدر دشوار هم باشد به همت نسل جوان و راهنمایی جامعه علمی و آکادمیک و عناصر ملی افغانستان و از همه بالا تر به یاری و توفیق الله متعال و مقتدر آسان و هموار خواهد شد. والله المستعان و هو ولی التوفیق

کلیفورنیا دهم جولای ۲۰۲۰ عیسوی

